

متن پرسش

سلام علیکم و رحمه الله: متن زیر از گروه ایتایی برهان عینا نقل قول شده است. لطفا پس از مطالعه متن زیر مفهوم «واسطه فیض» بودن معصومین علیهم السلام را تشریح فرمایید. سپاسگزارم لینک گروه: <https://eitaa.com/۲۸۲۱۹۹۵۱/۷۹۵۰> * «در آیه ۳۰ از سوره مبارکه توبه آمده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزَبَ ابْنُ اللَّهِ وَ قَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ»؛ این عبارات نشان می‌دهند که کافران اهل کتاب در «نظریه ولادت» به مشرکان تاسی جسته و با ایشان مضاهات می‌کنند و همین عامل باعث اجتماع این دو طیف در یک جبهه شده است. از سوی دیگر با مراجعه به آیات ۱۶ الی ۳۶ از سوره مبارکه مریم خواهیم دید که شاخصه اصلی جبهه حق و «صراط المستقیم» همانا عدم اعتقاد به «نظریه ولادت» قلمداد شده است؛ این مجموعه از آیات که در راستای ارائه تصویری درست از حضرت عیسی (ع) و داوری در خصوص اختلاف پیش آمده میان اهل کتاب درباره آن حضرت برآمده‌اند، در نهایت اعلام می‌دارند: «...ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ / مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ / وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ در این آیات کریمه میان پاره از مفاهیم ملازمه برقرار شده است که ضروری است اشاره ای به نحوه ملازمه آنها داشته باشیم: ۱. در ابتدا لازم است بدانیم که عبارات فوق (آیات ۱۶ تا ۳۶ از سوره مریم) به مثابه صدور حکم از محکمه قرآن کریم درباره اختلاف پیش آمده (= فیه یمترون) در میان اهل کتاب می باشند و این از جمله مهم ترین رسالتی است که قرآن کریم برای خویش قلمداد کرده است؛ زیرا در آیات ۷۶ الی ۷۸ از سوره مبارکه نمل آمده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَإِنَّهُ لَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ»، براین اساس اگر ندانیم که اختلافات پیش آمده در میان اهل کتاب بر سر چه بوده است، طبعاً نخواهیم دانست که در قرآن کریم قصه از چه قرار است. ۲. در این آیات کریمه مشاهده می‌شود که میان اعتقاد به «نظریه ولادت» و عدم عقیده به «کن فیکون» رابطه وجود دارد. (بیش‌تر هم گفته بودیم که انکار قدرت «خلق لامن شیء» یا همان «کن فیکون» مستلزم اعتقاد به نظریه فلسفی «فیض و صدور» یا همان «نظریه ولادت» است) آنانکه قایل به «نظریه ولادت» یا همان نظریه فلسفی «فیض و صدور» هستند، الله را به عنوان تنها کسی که رب العالمین است، نمی پذیرند بلکه قایل به سلسله مراتبی از اربابان (وسائط فیض) بوده که از ایشان استمداد و استعانت می جویند، لذا آیه کریمه تأکید می‌کند که الله همان رب العالمین است و لاغیر. نتیجه اینکه: اگر الله را رب العالمین بدانیم (الحمد لله رب العالمین)، دست به «دعا» برداشته و صرفاً از

او استعانت بجوئیم (ایاک نعبد و ایاک نستعین) و او را دارای قدرت مطلقه بر «محو و اثبات» حوادث و مقدرات جهان و تاریخ قلمداد نمائیم، آنگاه قایل به «نظریه ولادت» نخواهیم شد و در نتیجه همراه با کسانی که «انعم الله علیهم» هستند واقع در «صراط المستقیم» خواهیم بود» / پایان نقل قول

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! به حکم یکی از اسمای الهی که «اسم جواد» است حضرت حق با تجلی دائمی خود همه امور را تدبیر می‌نماید ولی در عین تشکیکی بودن وجود. در مورد جایگاه واسطه فیض و نقش آن خوب است به کتاب «جایگاه و معنی واسطه فیض» که روی سایت هست رجوع شود.

موفق باشید

<https://lobolmizan.ir/book/۲۳۹?mark=%D۸%AC%D۸%A۷%DB%۸C%DA%AF%D۸%A۷%D۹%۸۷>

A۷%D۹%۸۷